

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۸، شماره پیاپی ۲۹، بهار ۱۳۹۷

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) راهکاری نوین جهت توسعه متوازن منطقه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان رشت)^۱

مجید یاسوری^۲: استاد گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

مریم سجودی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه شهری، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۳ صص ۹۳-۱۰۶ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۰

چکیده

شهرستان رشت همواره شاهد تجمع و انباشت منابع و امکانات عمده استان در خود بوده است. هدف این پژوهش بهره‌گیری از استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) جهت دستیابی به توسعه متوازن بوده است؛ بدین منظور با روش مورس جهت تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها به ارزیابی و تعیین میزان برخورداری از خدمات و امکانات منتخب و همچنین به تعیین جایگاه شهرستان‌های استان با استفاده از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی پرداخته شده است. نتایج روش مورس نشان داد که شهرستان توسعه یافته‌ای در استان وجود نداشته و شهرستان رشت با میانگین ۷,۱۹ رتبه اول و شهرستان‌های بندرانزلی با میانگین ۶,۹۰، آستارا با ۶,۷۴، لاهیجان با ۶,۴۸ در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. نتایج روش شاخص‌بندی نیز نشان داد شهرستان رشت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی به ترتیب رتبه‌های دوم، چهارم و اول را کسب نموده است. این پژوهش جهت دستیابی به توسعه متوازن و متعادل نمودن روابط متقابل؛ از الگوی استراتژی توسعه منطقه‌ای بهره گرفته است. RDS با تقویت رقابت پذیری و جهت دادن به جریان‌ها (جمعیت، کالا، سرمایه)، موجبات کاهش نابرابری منطقه‌ای، افزایش کارایی فضا و توسعه متوازن منطقه‌ای را فراهم می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS)، رقابت پذیری، توسعه متوازن منطقه‌ای، استان گیلان، شهرستان رشت.

^۱ - مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان با عنوان "تدوین الگوی استراتژی توسعه منطقه‌ای برای شهرستان رشت" می‌باشد.

^۲ . نویسنده مسئول: yaasoori@um.ac.ir، ۹۱۱۲۴۸۶۸۷۳

بیان مسأله:

"استراتژی توسعه منطقه ای (RDS)" به عنوان یکی از آخرین دستاوردهای جامعه علمی، برای دستیابی به توسعه و تعادل منطقه ای بوده است. این استراتژی به منظور از بین بردن اختلاف ساختاری منطقه ای و ایجاد فرصت برابر برای تمامی مناطق طرح گردیده و به مثابه ابزاری برای ایجاد جوامع پایدار شناخته می‌شود. این راهبرد در برخی از کشورهای جهان همانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دیگر مناطق نوظهور اقتصادی جهان از دهه ۱۹۹۰ به این سو رواج یافته است (۱-۲). (Mohammadi, ۱۳۹۲). یکی از مهم‌ترین نتایج و ثمرات به کارگیری راهبرد توسعه منطقه ای (RDS) بالا بردن توان و ظرفیت مناطق و زیر مناطق جهت بروز و بالفعل نمودن استعدادها و توانمندی هایشان است. RDS به مشارکت همه جانبه مناطق تأکید دارد، که تحقق این امر افزایش بهره‌وری کلیدی و پایه‌ای رقابت پذیری و کاهش تمرکزگرایی را در پی خواهد داشت. دلیل اهمیت پرداختن به موضوع مد نظر بدین سبب است که شهرستان رشت از ابتدای تشکیل تاکنون، به خصوص در چند دهه گذشته، با تمرکزگرایی شدید در زمینه‌های مختلف و کاهش توان رقابت پذیری بسیاری از شهرستان‌ها و پدید آمدن چرخه‌ای که همواره قدرتمند شدن شهرستان رشت و ناتوانی سایر شهرستان‌ها را به دنبال داشته است، مواجه بوده است. این امر توان تحرک و پویایی را از سایر مناطق گرفته است و همچنین موجب بروز بی عدالتی‌های شدیدی در سطح شهرستان‌های استان و فقر منطقه‌ای گردیده است. این پژوهش بر آن است که با توجه به نابرابری‌ها و عدم توازن‌های منطقه‌ای مانند؛ فقر، شکاف بین مناطق، عدم مشارکت و تأمین عدالت محیطی بهره‌گیری از الگوی راهبرد توسعه منطقه ای (RDS) ضرورتی انکار ناپذیر جهت توسعه متوازن منطقه ای است. بدین صورت که استراتژی توسعه منطقه ای (RDS) درصدد است تا چالش‌های پیچیده منطقه ای را سامان دهد که برای رسیدن به این هدف بی شک افزایش رقابت پذیری و اعتماد نمودن به توان و ظرفیت‌های سایر مناطق و تلاش برای رشد و شکوفایی آن‌ها یکی از مؤلفه‌های اصلی به بار نشستن کامل آن می‌باشد. بدین منظور؛ در ابتدا شناسایی و بررسی وضعیت شاخص‌های مبین توسعه شهرستان مد نظر بوده است؛ که از روش مورس و شاخص‌بندی، به عنوان یکی از روش‌های تعیین توسعه‌یافتگی مناطق استفاده گردیده است. بدین ترتیب بر اساس مدل مورس به بررسی وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان گیلان و با استفاده از روش شاخص‌بندی، رتبه شهرستان‌های استان در شاخص‌های منطبق با بخش بندی اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی صورت گرفت. بدیهی است فرایند طی شده جهت شناخت جایگاه و وضعیت رقابت پذیری شهرستان رشت و تدوین الگوی استراتژی متناسب با وضعیت فعلی توسعه شهرستان بوده است. هدف پژوهش حاضر بهره‌گیری از الگوی راهبرد توسعه منطقه ای (RDS)؛ جهت دستیابی به توسعه متوازن منطقه ای در استان گیلان بوده است چرا که تجارب به کارگیری این استراتژی نشان داده است که RDS منجر به تقویت رقابت‌پذیری و جهت دادن به جریان‌ها و نهایتاً موجبات کاهش نابرابری منطقه‌ای را فراهم می‌آورد. اهمیت و ضرورت توجه به آن نیز ناشی از این است که شهرستان رشت از ابتدای شکل‌گیری شرایط منحصر به فردی را به نسبت به شهرهای پیرامونی خویش تجربه نموده و گرایشی روزافزون به تمرکزگرایی داشته است. شکل‌گیری رابطه‌ای یک سویه و جهت‌دهی اکثر جریان‌های حیاتی و کارکردی شهرهای استان به سمت شهر رشت موجبات انزوا و عدم تحرک را برای سایر نقاط سکونتگاهی استان به همراه داشته است.

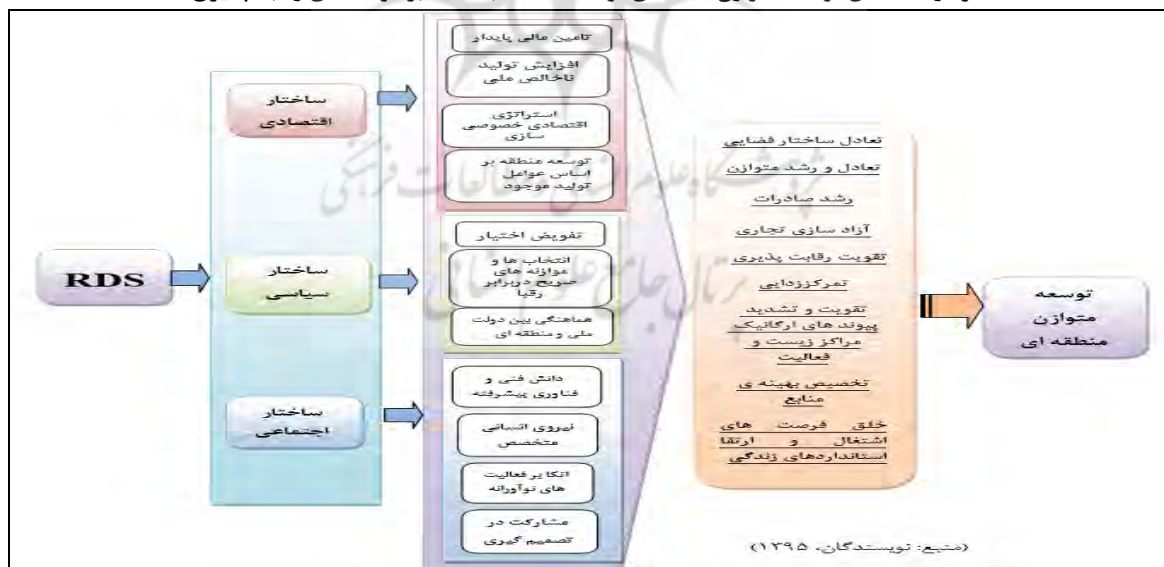
پیشینه نظری تحقیق:

استراتژی توسعه منطقه ای (RDS): راهبرد توسعه منطقه‌ای یک سند بالادستی کلیدی برنامه ریزی است جهت دستورالعمل‌های راهبردی که در آماده‌سازی و هماهنگی برنامه‌های توسعه، بیانیه‌های سیاست برنامه ریزی و اقدامات توسعه شهری و منطقه ای به کار می‌روند را تنظیم می‌کند. این رویکرد یک هماهنگی جامع بین تمامی برنامه‌های شهری و منطقه ای و الگوهای توسعه در راستای توسعه بلند مدت ایجاد می‌کند و بر اهمیت برنامه ریزی هماهنگ تأکید می‌کند (۲). (AMEC, 2011 Quoted from Pazhohan, ۱۳۹۳). که اهمیت بالای دیدگاه‌های سیاست‌گذاران و نظریه پردازان اقتصادی در این زمینه به این سبب است که آنان درک بهتری از مسائلی دارند که به بهبود رفاه اقتصادی مرکزی و توزیع ثروت می‌انجامد (۱-۲):

۲۰۰۳. L. Martin). آنچه عیان است؛ جذابیت گسترش این نوع تجزیه و تحلیل امکان مقایسه‌ی آن با سطح مناطق محلی در زمینه اقتصاد جهانی امروز را فراهم آورده است، که در آن مناطق به طور فزاینده‌ای به عنوان واحد طبیعی از تجزیه و تحلیل اقتصادی دیده می‌شوند (۹: ۲۰۱۰: Wilson- Navarro- Murciego - Ketels- Franco- Aranguren). اهداف راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS):

اهداف اصلی یک RDS عبارتند از: تحقق توسعه پایدار، ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، ارتقای کیفیت زندگی اجتماع محلی در مناطق جغرافیایی مشخص، ایجاد مناطقی پایدار پویا و مترقی از حیث اقتصادی، محیطی، اجتماعی و سیاسی (۱: ۲۰۰۸: DRD). تقویت رقابت اقتصادی منطقه‌ای و تلاش برای از بین بردن وضع نامساعد اجتماعی و اقتصادی، محافظت و ارتقای سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی و مصنوعی منطقه، ارتقای مسکن، حمل و نقل، کیفیت آب، انرژی و راهبردهای دفع پسماندها، تهیه زیرساخت‌ها، فراهم آوردن خدمات عمومی، راهنمایی‌های عمومی و تصمیمات سرمایه‌گذاری خصوصی مربوط به کاربری زمین، (۱۳۹۳: ۲: ۲۰۱۰: Quoted from. Pazhohan. Department for regional. ۲۰۱۰). ساختار صنعتی، منابع انسانی، نوآوری و کیفیت محیط زندگی (۲۸۸: ۲۰۰۹: Vrtěnová, Sobotka, Malá). در واقع مفاهیمی همچون انعطاف پذیری منطقه و رفاه در درک چشم انداز وسیع تر و نحوه رقابت از مناطق تکامل بلند مدت خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند (۱۵۶: ۲۰۱۳: Izushi, Huggins, Thompson). یک RDS منسجم و اثربخش دارای یک چشم انداز فراگیر است؛ چشم انداز می‌تواند منظر بیرونی از منطقه‌ای پویا و سرزنده با یک حس مکانی قوی در جهانی گسترده تر باشد. جایی که کیفیت زندگی آن‌ها افزایش می‌یابد و تنوع و گوناگونی، یک نقطه قوت به حساب می‌آید نه یک اختلاف. در واقع؛ توسعه منطقه‌ای می‌تواند به عنوان یک تلاش عمومی برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای دیده شود که غالباً با حمایت از ثروت تولید فعالیت‌های اقتصادی در مناطق (۵۷: ۲۰۰۸: Pessoa Economia)؛ کارآفرینی، دانش؛ ظرفیت نوآوری به عنوان عوامل کلیدی زیربنای توسعه اقتصادی آینده و مسیر رشد مناطق به اجرا گذاشته شود و توان رقابت‌پذیری و پویایی مناطق را تضمین می‌نماید (۲۵۹- ۲۵۹: ۲۰۱۴: Huggins, Izushi, Prokop, Thompson). همچنین در نمودار زیر سعی شده است تا اصول و مؤلفه‌های RDS با تأکید بر مفاهیم مدنظر رقابت‌پذیری، که منجر به توسعه متوازن منطقه‌ای می‌شود، بیان گردد.

نمودار ۱- تحقق توسعه متوازن منطقه‌ای توسط (RDS) با تأکید بر مؤلفه‌های رقابت‌پذیری



در نمودار فوق هدف ارائه نحوه اثرگذاری RDS در توسعه متوازن منطقه‌ای با استفاده از اصول رقابت‌پذیری است و تلاش می‌شود؛ از توان تمام مناطق بهره و آن‌را به بهترین شکل ممکن سازماندهی کرد. توسعه متوازن منطقه‌ای در گرو برخورداری عادلانه از خدمات و امکانات:

مفاهیم اندیشه پژوهش‌های فضایی از جمله موضوعات اساسی در مطالعات برنامه‌ریزی آمایش سرزمین به شمار می‌رود (Masomi eshkevari, ۱۳۸۵: ۲۴). که نقاط یا گره‌گاه‌ها و مراکز اصلی استقرار جمعیت از جمله عناصر اساسی در فضای جغرافیایی به شمار می‌آیند (Saedi, ۱۳۸۱: ۱۴۶). مانند جریان سرمایه، جمعیت، عوامل تولید، اطلاعات و نوآوری‌ها (Heydari, ۱۳۹۲: ۸۴). چنین جامعه‌ای از فضیلت وفاق و همبستگی فاصله می‌گیرد و به سوی گسست و اضمحلال پیش می‌رود (Tavakoli and شهرنشینی شتابان (Lungo, 2001: 123) و عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه و ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه-ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (Mohammadi Et al, ۱۳۹۱: ۲۸). بنابراین هر چه میزان تولید کالا و خدمات از سوی یک سکونتگاه برای رفع نیازهای جمعیت خود و سکونتگاه‌های اطراف بیشتر باشد؛ جایگاه آن سکونتگاه در نظام سلسله مراتبی سکونتگاهی نیز بالاتر خواهد بود (King, 1984: ۳۴) و اضافه بر آن باید با تحلیل ساختار فضایی موجود، متقابلاً مشروط کننده‌های برنامه‌ریزی بخشی و تحولات آتی را بشناسد تا سرانجام طرح سازمان فضایی بهینه برای مجموعه بخش‌های اقتصادی - اجتماعی و زیست‌محیطی بر بستر فضا به دست آید (sarafi, 1364: 8). که پیامدهای جغرافیایی این تحولات را می‌توان در آشفتگی فضایی، تغییرات گسترده‌ی کاربری اراضی، رشد خارج از قاعده و مکان‌یابی نادرست بسیاری از کاربری‌ها و بی‌عدالتی در تخصیص منابع جغرافیایی (vasoori, 1385: 27)، افزایش اراضی بلااستفاده، سهم بالای فضاهای باز، کاهش تراکم جمعیت، گسستگی بخش‌های شهری و جدایی‌گزینی اجتماعی دید (Hess, 2001: ۲).

این روند مغایر عدالت فضایی است چرا که عدالت فضایی در توزیع و تخصیص عادلانه فضا و کاربری‌های وابسته به آن برای برخورداری بهتر از امکانات است (Nabavi, 1393: 26). که در موقعیت‌های اجتماعی به صورت سازمان‌یابی فضایی الگوهای سرمایه‌گذاری منطقه‌ای و فائق آمدن بر مشکلات محیطی دیده می‌شود (Harvey, 1376: 109). لذا تا حد زیادی به عوامل بستگی دارد که در حین مکان‌یابی برای انجام آن خدمت انتخاب و ارزیابی می‌شود (Yang & lee, ۲۰۰۵, ۲۴۵). در واقع میزان نابرابری از عواملی مانند سیاست‌های دولت در توزیع منابع، خصوصیات شخصی مانند جنس و سن افراد، سطح آموزش و سطح بهداشت جامعه تأثیر می‌پذیرد (Fetros and maboodi, 1387, citing Fazelnia, 1393: 18) از این رو است که ضرورت برنامه‌ریزی مکانی برای کاهش نابرابری‌ها از طریق برنامه‌های متعدد، محرومیت زدایی و گسترش همه‌جانبه‌ی منافع توسعه به طور علمی مطرح شده است (Faraji, 1389: 96) و با شتاب گرفتن فعالیت مردم، عرصه‌ی پروژه‌های توسعه گسترده خواهد شد و آنگاه پیوند میان فعالیت‌های برخاسته از هدف‌های محلی با مقتضیات توسعه‌ی ملی، عیان‌تر و روشن‌تر خواهد شد (Hnjv, 1980: 24). بنابراین، در اجرای برنامه‌ها از منظر آمایش سرزمین، استقرار فعالیت‌ها در مکان مناسب، موجب توجیه اقتصادی فعالیت‌ها شده و پایداری آنها را تضمین می‌کند (Queiruga et al, ۲۰۰۸: ۱۸۵). در این بخش به پیشینه‌های مرتبط با پژوهش، در دو بخش داخلی و خارجی اشاره شده است.

جدول ۲- پیشینه تحقیق

نام مولف / منطقه	عنوان	سال	نتایج کلیدی
نیل (۲۰۰۵) ^۱	بهترین رهنمود عملی برای استراتژی های توسعه منطقه ای	۲۰۰۵	یکی از چارچوب های برنامه ریزی با رویکرد استراتژیک؛ سازمانی که زمینه های اقتصادی و اجتماعی آن جداسازی و تفکیک شده باشند، درگیر نمودن سهام داران در شیوه ای آزاد و مولد و انتقال پیامهای کلیدی آن به وضوح به انواع مخاطبان. یک چارچوب ساده اما موثر برای نظارت (Neil, 2005, p14).
ایرلند شمالی	راهبرد توسعه منطقه‌ای ۲۰۳۵	۲۰۰۱، ۲۰۰۸-۲۰۱۱	توسعه اقتصادی منطقه و زیر مناطق، نظم بخشی و هدایت متعادل سکونت گاهی. تعیین قطب های محلی و منطقه ای و خوشه های توسعه، برقراری تعادل های منطقه ای. مدیریت اشتغال، مسکن و زمین، مدیریت پسماند منطقه ای، تقویت رقابت پذیری منطقه ای (DRD, 2013, p1-18).
استونی	سند استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) استونی ۲۰۱۵-۲۰۰۵	۱۹۹۰	برنامه بهبود رقابت منطقه‌ای، توسعه گردشگری در تمرکز مناطق و محلات، فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال و بالا بردن کیفیت زندگی مردم محلی، از بین بردن تنگناهای محلی که مانع از حداکثر استفاده از پتانسیل توسعه محلی می‌شود و توسعه مزیت‌های رقابتی خاص مناطق (DEIA, 2007, pp29-27).
موراویا جنوبی	استراتژی توسعه برای منطقه موراویا جنوبی	۱۹۹۹	تعریف اولویت هایی به شرح اقتصادی، محیط‌زیست، منابع انسانی، ساکنان و بازار کار، مراکز جمعیت، حمل‌ونقل و زیرساخت و همکاری و مشارکت. ارائه خلاصه ای از چارچوب مالی برای منطقه موراویا جنوبی (Garep, Vysoké, 2007, p4).
کردستان عراق	سند استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) کردستان عراق	۲۰۱۱	توجه به بخش های بسیار متنوع در تدوین سند، دستیابی به تعادل مطلوب بین نیازهای دولت و نیازهای جوانان، ارائه فرصت‌های شغلی مناسب کافی که شامل تمام جوانان تمایل به کار می‌کنند (۱- Kurdistan Regional Government Ministry of Planning, 2011, pp215).
پارسایی مقدم	تدوین الگوی راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) شهرستان همدان	۱۳۹۳	ابزاری نوین و کارآمد برای دستیابی به توسعه پایدار مناطق، بهره گیری از RDS جهت مقابله با مهاجر فرستی شدید و جذب ناعادلانه سرمایه و فرصت‌ها در مقیاس منطقه و نهایتاً انزوای سایر نواحی و به دنبال آن خروج نیروی انسانی و مهاجرت ساکنین به مناطق اطراف (پارسایی مقدم، ۱۳۹۳: ۱).
پژوهان	راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) و راهبرد شبکه منطقه‌ای (RNS)؛ مقدمه‌ای بر ادغام یک دستورالعمل توسعه‌ای در یک پارادایم نظری	۱۳۹۳	راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) و راهبرد شبکه منطقه ای (RNS) به عنوان دو مورد از منسجم‌ترین این تلاش‌ها در زمینه ی توسعه منطقه‌ای، وجوه مشترک بسیار در (RNS) و (RNS) که می‌توان با ترکیب اولی، به‌عنوان یک دستورالعمل درازمدت توسعه‌ای، با دومی، به‌عنوان نظریه پایه توسعه منطقه‌ای، به رهیافت جدیدی در مورد توسعه منطقه‌ای دست یافت (پژوهان، ۱۳۹۳: ۱-۱۰).
محمدی	راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) چارچوب سیاستی برای توسعه پایدار منطقه‌ای	۱۳۹۲	در این الگو تلاش می‌شود تا از توان‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات و همکاری‌های منطقه‌ای، جهت برقراری تعادل‌های منطقه‌ای استفاده شود. از ویژگی‌های این الگو تفکر راهبردی، اجتماع‌پذیری و نیز انعطاف‌پذیری در کل فرایند می‌باشد (محمدی، ۱۳۹۲: ۱-۹).
یاسوری و سجودی	ضرورت توجه به راهبرد توسعه منطقه ای (RDS) به منظور افزایش کارآمدی راهبرد توسعه شهری (CDS)	۱۳۹۴	شهر ها باید به عنوان باید به عنوان جزئی از سیستم منطقه ای که در آن قرار دارند تعریف شوند. RDS به عنوان یکی از استراتژی های توسعه منطقه ای هماهنگی جامع بین تمامی برنامه های شهری و منطقه ای و الگوهای توسعه بلند مدت را دنبال می کند (یاسوری و سجودی، ۱۳۹۴: ۱۰).

منبع: مطالعات کتابخانه‌ای نویسندگان، ۱۳۹۵.

روش تحقیق:

روش تحقیق در مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت توصیفی - تحلیلی است. ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و بررسی تجارب سایر کشورها لزوم به کار گیری راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) بررسی شد. سپس جهت سنجش میزان دسترسی شهرستان‌های استان گیلان به خدمات منطقه‌ای در سطوح شهرستانی، تعداد ۴۳ شاخص به شرح جدول زیر انتخاب گردید.

¹ - Neil

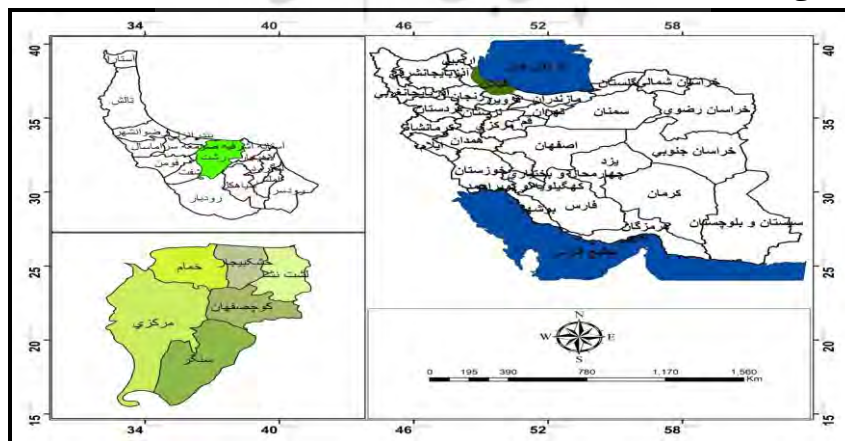
جدول ۲- خدمات منتخب جهت شناسایی شهرستان های برخوردار (اقتصادی، زیربنایی، اجتماعی)

ابعاد	شاخص های مورد استفاده
اقتصادی	نرخ مشارکت اقتصادی-سرانه درآمد کوششی شهرداری ها -سرانه هزینه های عمرانی شهرداری- تعداد کل کارگاه های فعال اقتصادی -تعداد واحدهای صنفی به ازای هر هزار نفر- تعداد کارگاه های فعال بیش از ۵۰ نفر کارکن به ازاء ۱۰۰ هزار نفر جمعیت- ضریب مکانیزاسیون کشاورزی- سرانه عملکرد اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای استان-سرانه سپرده -سهام نسبی سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی- عملکرد در هکتار محصولات زراعی و باغی-نرخ بیکاری- سرانه مالیات دریافتی- نسبت اراضی زیرکشت محصولات آبی به کل سطح زیرکشت-سهام بخش صنعت و معدن از کل اشتغال ۹۰-سهام بخش خدمات از کل اشتغال
زیربنایی	نسبت طول راه های فرعی احداث شده به شبکه مصوب-نسبت روستاهای دارای طرح هادی اجرا شده به کل روستاهای دارای طرح هادی-نسبت جمعیت روستاهای بهره مند از آب آشامیدنی سالم به کل جمعیت روستایی بالای ۲۰ خانوار- نسبت جمعیت روستاهای برخوردار از گاز به کل جمعیت روستایی- نسبت تعداد دفاتر ICT در روستاها به تعداد روستاها- ضریب نفوذ تلفن همراه- نسبت جمعیت تحت پوشش خدمات جمع آوری و دفع فاضلاب شهری به کل جمعیت شهری- سرانه فضای سبز شهری- تعداد ایستگاه های آتش نشانی- تراکم کل راه ها در هر صد کیلومتر مربع از مساحت- پتانسیل آب استان- آب کامل دسترسی استان
اجتماعی	نسبت تعداد خانه بهداشت موجود به مصوب- سرانه پزشک متخصص به ازاء هر ۵۰۰۰۰ نفر- نسبت تعداد تخت بیمارستان موجود به مصوب- امید به زندگی در بدو تولد- نرخ باسوادی- سرانه فضای ورزشی روباز به ازاء هر ۱۰ هزار نفر جمعیت- سرانه فضای ورزشی سرپوشیده به ازاء هر ۱۰ هزار نفر جمعیت- سرانه کتاب در کتابخانه های عمومی به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت- سرانه فضاهای فرهنگی به ازاء هر هزار نفر جمعیت- نرخ باسوادی زنان - تعداد گردشگر داخلی بازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت- تعداد گردشگر خارجی بازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت- سرانه فضاهای مذهبی به ازاء هر هزار نفر جمعیت- نرخ رشد جمعیت - ۱۳۸۵- نسبت شهرنشینی

سپس برای ارزیابی و تعیین میزان برخورداری منطقه در سطوح شهرستانی از خدمات و امکانات منتخب با استفاده از روش ناموزون موریس به تحلیل وضعیت توسعه یافتگی شهرستان ها پرداخته شد. بر اساس مدل موریس اگر مقدار عددی شاخص ترکیبی بالای ۰,۸ باشد رتبه توسعه بالا و اگر مقدار عددی بین ۰,۵ تا ۰,۸ باشد دارای درجه توسعه یافتگی متوسط و اگر کمتر از ۰,۵ باشد درجه توسعه یافتگی پایین تفسیر می شود (kalantari, ۱۳۸۰: ۱۳۶). همچنین از شاخص بندی جهت فراهم آمدن امکان مقایسه بین شهرستان ها و رتبه بندی در شاخص های اقتصادی، زیربنایی و اجتماعی، مورد بررسی قرار گرفتند. بدیهیست فرایند طی شده جهت شناخت وضعیت برخورداری و توسعه یافتگی منطقه مورد مطالعه و تدوین الگوی استراتژی متناسب با وضعیت فعلی شهرستان بوده است.

محدوده مورد مطالعه:

شهرستان رشت مرکز استان گیلان و با جمعیت حدود ۹۲۰ هزار نفر بیش از ۳۶ درصد جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. شهرستان رشت دارای ۶ بخش؛ (مرکزی، خمام، خشکبیجار، سنگر، کوچصفهان و لشت نشاء)، ۶ نقطه شهری، ۱۸ دهستان و ۲۹۶ آبادی می باشد. (نقشه شماره ۱).



نقشه ۱- موقعیت قرارگیری شهرستان رشت در استان

یافته‌های تحقیق:

تعیین وضعیت برخورداری شهرستان‌های استان از مدل موریس: بر اساس محاسبات مدل موریس در استان گیلان، شهرستانی با سطح توسعه‌یافتگی بالا وجود نداشته است. شهرستان‌های رشت، لاهیجان، بندرانزلی و آستارا در سطح توسعه‌یافتگی متوسط و بقیه شهرستان‌ها در سطح توسعه‌یافتگی پایین بوده‌اند. بنابراین حدود ۲۶ درصد از شهرستان‌ها در سطح توسعه‌یافتگی متوسط و ۷۵ درصد از شهرستان‌ها در سطح توسعه‌یافتگی پایین بوده‌اند.

جدول ۲- بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان گیلان بر اساس مدل موریس

شهرستان‌ها	ضریب میانگین	اختلاف از میانگین	سطح توسعه‌یافتگی
آستارا	۰,۵	۰,۰۸	توسعه‌یافتگی متوسط
آستانه اشرفیه	۰,۴	۰,۰۰	توسعه‌یافتگی پایین
املش	۰,۴	۰,۰۵	توسعه‌یافتگی پایین
بندرانزلی	۰,۵	۰,۰۹	توسعه‌یافتگی متوسط
تالش	۰,۳	۰,۰۶	توسعه‌یافتگی پایین
رشت	۰,۵	۰,۰۱۰	توسعه‌یافتگی متوسط
رضوانشهر	۰,۳	-۰,۰۷	توسعه‌یافتگی پایین
رودبار	۰,۴	۰,۰۰	توسعه‌یافتگی پایین
رودسر	۰,۴	۰,۰۳	توسعه‌یافتگی پایین
سیاهکل	۰,۴	-۰,۰۳	توسعه‌یافتگی پایین
شفت	۰,۳	-۰,۰۷	توسعه‌یافتگی پایین
صومعه سرا	۰,۴	-۰,۰۲	توسعه‌یافتگی پایین
فومن	۰,۳	-۰,۰۸	توسعه‌یافتگی پایین
لاهیجان	۰,۵	۰,۰۶	توسعه‌یافتگی متوسط
لنگرود	۰,۴	۰,۰۲	توسعه‌یافتگی پایین
ماسال	۰,۳	-۰,۱۰	توسعه‌یافتگی پایین

منبع: محاسبات نویسنندگان، ۱۳۹۵

همان گونه که از جدول فوق برداشت می‌شود، تعداد شهرستان‌های با سطح توسعه‌یافتگی پایین، ۱۲ مورد می‌باشند که این ضعف خود بیانگر توان پایین رقابت‌پذیری و ظرفیت بهره‌برداری از توان‌ها و قابلیت‌های اکثریت شهرستان‌ها می‌باشد. بر اساس مدل موریس که وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان رشت را در بین سایر شهرستان‌های استان گیلان نشان داده است، مشاهده شد که شهرستان رشت با ضریب میانگین ۰/۵ با شهرستان‌های دیگری چون: لاهیجان، بندرانزلی و آستارا در سطح توسعه‌یافتگی متوسط قرار داشته‌اند و شهرستانی با سطح توسعه‌یافتگی بالا در استان وجود نداشته است. این مسأله بیان‌گر این است که علیرغم وجود فاصله شهرستان رشت و سایر شهرستان‌های با سطح توسعه‌یافتگی متوسط، با سطح توسعه‌یافتگی بالا، همچنان شهرستان رشت از جایگاه بهتری نسبت به سایر شهرستان‌ها برخوردار است. از نگاهی دیگر این ناتوانی در پذیرفتن مسئولیت‌های شهرستانی یعنی تحمیل بار مازاد مسئولیت شهرستان‌های با توسعه‌یافتگی پایین بر روی شهرستان‌های با سطح توسعه‌یافتگی متوسط، به خصوص شهرستان رشت به دلیل مرکزیت استان.

تعیین وضعیت برخورداری شهرستان‌های استان از مدل شاخص بندی:

یکی دیگر از روش‌هایی که در این تحقیق صورت پذیرفته است؛ روش شاخص‌بندی است. در این روش بیشترین مقدار هر شاخص معادل ۱۰۰ در نظر گرفته شده و بقیه مقادیر نسبت به آن از طریق تناسب بندی محاسبه می‌گردند. بر این اساس به تمام شهرستان‌های استان به این روش رتبه داده شد.

جدول ۳- رتبه بندی شهرستان های استان گیلان بر اساس روش شاخص بندی

رتبه	میانگین	زیربنایی	اجتماعی	اقتصادی	ضریب ترکیبی شهرستان
۳	۶,۷۴	۳,۸۵	۹,۱۶	۷,۲۱	آستارا
۸	۵,۷۵	۵,۶۲	۵,۲۴	۶,۴۱	آستانه اشرفیه
۵	۶,۲۷	۳,۸۶	۷,۶۴	۷,۲۹	املش
۲	۶,۹۰	۵,۸۹	۸,۰۰	۶,۸۱	بندر انزلی
۱۲	۵,۰۴	۴,۲۴	۵,۱۰	۵,۷۸	تالش
۱	۷,۱۹	۶,۹۷	۶,۴۲	۸,۱۸	رشت
۱۳	۴,۷۲	۳,۷۳	۴,۵۰	۵,۹۴	رضوانشهر
۹	۵,۷۴	۴,۸۲	۶,۱۹	۶,۲۳	رودبار
۶	۶,۱۳	۴,۴۸	۶,۱۷	۷,۷۳	رودسر
۱۱	۵,۳۶	۳,۷۱	۶,۲۳	۶,۱۵	سیاهکل
۱۴	۴,۷۲	۳,۷۶	۴,۵۸	۵,۸۰	شفت
۱۰	۵,۴۴	۵,۹۱	۵,۹۱	۴,۴۹	صومعه سرا
۱۵	۴,۶۹	۴,۷۳	۴,۴۴	۴,۹۱	فومن
۴	۶,۴۸	۵,۶۹	۵,۵۴	۸,۲۱	لاهیجان
۷	۵,۹۴	۵,۱۶	۶,۰۴	۶,۶۳	لنگرود
۱۶	۴,۳۰	۳,۱۸	۵,۲۴	۴,۴۷	ماسال

منبع: محاسبات نویسندگان، ۱۳۹۵.

همان گونه که مشاهده می‌شود، شهرستان رشت در شاخص‌های مورد بررسی، در بین سایر شهرستان ها، با کسب میانگین ۷,۱۹ رتبه اول را کسب نموده است و به همین ترتیب شهرستان‌های بندرانزلی با میانگین ۶,۹۰، آستارا با ۶,۷۴، لاهیجان با ۶,۴۸ و نهایتاً شهرستان املش با میانگین ۶,۲۷ در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار گرفته اند. در مجموع جایگاه شهرستان رشت در بخش‌های مورد بررسی بیانگر رتبه دوم شهرستان رشت در بخش اقتصادی، رتبه چهارم در بخش اجتماعی و رتبه اول در بخش زیربنایی می‌باشد. این امر بیان گر رشد نسبتاً متوازن شهرستان رشت در بخش‌های مختلف بوده است، که نشان از عدم شکاف و فاصله بسیار در بین شاخص‌های مختلف بوده است. حال چون توسعه یافتگی مستلزم رشد و توسعه متوازن و همگون در تمام بخش‌ها می باشد، شهرستان رشت نیز با توجه به تمرکز بالای جمعیت و منابع، گستردگی حوزه نفوذ و انجام وظایف و کارکردهای خود به عنوان ناحیه کلان شهری، در بین سایر شهرستان‌ها و در ابعاد منطقه‌ای و ملی، مستلزم ارتقای جایگاه بیش از پیش شهرستان می باشد.

مقایسه وضعیت برخورداری دو روش در وضعیت ۳ رتبه اول:

جدول ۴- بررسی وضعیت سه رتبه اول بر اساس روش های مورس و شاخص بندی

شاخص ترکیبی (روش شاخص بندی)					شاخص ترکیبی (مدل مورس)		
زیربنایی		اجتماعی		اقتصادی			
۶,۹۷	رشت	۹,۱۶	آستارا	۸,۲۱	لاهیجان	۲۱,۵۷	رشت
۵,۹۱	صومعه‌سرا	۸,۰۰	بندر انزلی	۸,۱۸	رشت	۲۱,۰۴	انزلی
۵,۸۹	بندر انزلی	۷,۶۴	املش	۷,۷۳	رودسر	۲۰,۴۱	آستارا

منبع: محاسبات نویسندگان، ۱۳۹۵.

مقایسه وضعیت برخورداری دو روش در وضعیت ۳ رتبه آخر:

شناسایی رتبه‌های آخر از میان شهرستان‌های استان بر اساس مدل موریس و روش شاخص بندی نشان داد که در هر مدل با توجه به محاسباتی که انجام پذیرفت تفاوت‌های جزئی مشاهده می‌گردد.

جدول ۵- بررسی وضعیت سه رتبه آخر بر اساس روش‌های موریس و شاخص بندی

شاخص ترکیبی (روش شاخص بندی)						شاخص ترکیبی (مدل موریس)	
زیربنایی		اجتماعی		اقتصادی			
۳,۱۸	ماسال	۴,۴۴	فومن	۴,۴۷	ماسال	۱۲,۹۶	ماسال
۳,۷۱	سیاهکل	۴,۵۰	رضوانشهر	۴,۴۹	صومعه سرا	۱۳,۸۰	فومن
۳,۷۳	رضوانشهر	۴,۵۸	شفت	۴,۹۱	فومن	۱۳,۸۸	شفت

منبع: محاسبات نویسندگان، ۱۳۹۵.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

مقایسه بین وضعیت رتبه شهرستان‌های برخوردار و نابرخوردار:

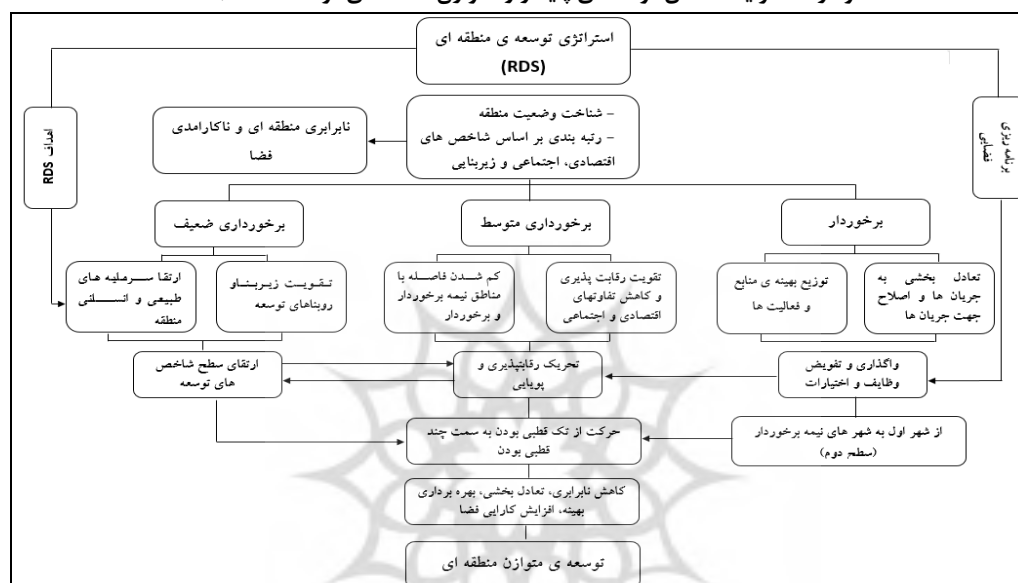
بر اساس تحلیل صورت گرفته شهرستان رشت سهم بیشتری از برخورداری‌ها را از آن خود نموده است و پس از آن، به جز شهرستان‌های انزلی و لاهیجان بین بقیه شهرستان‌ها همواره نوساناتی وجود داشته است. شهرستان رشت در روش شاخص-بندی و در بین سایر شهرستان‌ها ضرایب ترکیبی بدین شرح به دست آورده است: در بخش اقتصادی، ۸,۱۸؛ در بخش اجتماعی ۶,۴۲ و در بخش زیربنایی ۶,۹۷ و میانگین مجموع ضرایب ترکیبی موارد فوق، ۷,۱۹ بوده است و نهایتاً رتبه ۱ را کسب نموده است و شهرستان ماسال که آخرین رتبه را کسب نموده است؛ ضرایب ترکیبی بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی آن به ترتیب ۴,۴۷، ۵,۲۴ و ۳,۱۸ بوده است و میانگین مجموع ضرایب فوق، ۴,۳۰ بوده است؛ که این امر حکایت از شکاف و فاصله بسیار بین برخوردارترین و نابرخوردارترین شهرستان دارد. در واقع این امر مبین تمرکزگرایی شدید و عدم توان تحرک و رقابت پذیری عادلانه تمام شهرستان‌ها در عرصه توسعه منطقه‌ای می‌باشد. این چنین فاصله و شکاف عمیقی از وجود رابطه‌ای بیمارگونه و ناسالم خبر می‌دهد که این امر امکان برقراری ارتباطات لازم برای اجرای موفقیت آمیز توسعه منطقه‌ای را نافرجام می‌نماید. در مجموع می‌توان گفت: با توجه به تفاوت‌هایی که در بین شهرستان‌ها وجود دارد؛ وضعیت نامطلوبی در بهره‌گیری از خدمات و امکانات برای شهرستان‌های استان وجود دارد. البته ذکر این نکته ضروری است که رتبه بالای شهرستان رشت در برخورداری از منابع و امکانات اگر چه ممکن است با سرانه جمعیتی بالا توجیه پذیر باشد؛ اما راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) حل این مشکل را در ارائه خدمات و امتیازات بیش تر به شهرستان رشت نمی‌داند، تا به تشدید فاصله‌ها و تمرکزگرایی منجر شود؛ RDS معتقد است، باید توان و ظرفیت بالقوه سایر مناطق بالفعل گردد تا بخشی از بار اضافی شهرستان رشت به سایر مناطق محول و تمام مناطق درگیر فرایند توسعه منطقه‌ای گردند. به عبارتی، سیاست کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای مربوط به تلاش برای اطمینان از انسجام کافی در میان مناطق در نهاد بالاتر است، زیرا بروز نابرابری‌های منطقه‌ای می‌تواند رقابت‌ها را خنثی نماید (Vrtěnová, Sobotka, Malá, ۲۰۰۹: ۲۸۷-۳۰۰).

استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) و توسعه پایدار منطقه‌ای:

"گفتمان سیاست‌های اخیر غالباً بر پویایی توسعه منطقه استوار است. چرا که در جوامع در حال رشد محور توسعه و اقتصاد درهم آمیخته‌اند و اهمیت رقابت محلی به عنوان یک عامل اساسی رشد محسوب می‌شود" (Tonts-Plummer, ۲۰۱۴: ۲) - Martinus). در این میان استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS)، بسیاری از ضعف‌های استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای پیشین را رفع نموده است چرا که؛ محتوای RDS کاملاً منعطف و وابسته به وضعیت و شرایط منطقه‌ای و نیز ساختار برنامه‌ریزی کشورهاست (Mohammadi, 1392: 4). بنابراین RDS زمینه برنامه‌ریزی فضایی برای تحقق موارد زیر را فراهم می‌سازد: تقویت رقابت‌پذیری و کاهش عوامل منجر به عدم مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای، ارتقای سرمایه‌های طبیعی و انسانی منطقه‌ای، تقویت زیربنایها و روبناهای توسعه منطقه‌ای، استفاده کارآمد و پایدار از فضاهای جغرافیایی در جهت توسعه منطقه‌ای (DRD, ۲۰۰۸: ۲). همان گونه که در نمودار زیر نشان داده شده است، تحقق توسعه متوازن و پایدار منطقه‌ای ابتدا

مستلزم شناخت وضعیت فعلی منطقه می‌باشد، که در منطقه مورد مطالعه وضع موجود را می‌توان با نابرابری منطقه‌ای و ناکارآمدی فضایی تعریف نمود. بنابراین بر اساس شاخص‌های مدل موریس و شاخص بندی، سه دسته از شهرستان‌های برخوردار، نیمه برخوردار و با برخوردار پایین شناسایی شدند. بدین ترتیب برای شهرستان‌های نابرخوردار تقویت زیربنا و روبناهای توسعه منطقه‌ای و ارتقای سرمایه‌های طبیعی و انسانی؛ برای شهرستان‌هایی متوسط، تقویت رقابت‌پذیری و کاهش عوامل منجر به عدم مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه و کمترشدن فاصله با شهرستان‌های نیمه برخوردار و برخوردار راهکارهایی بوده‌اند تا تعادل بین شهرستان‌های برخوردار و نابرخوردار را تعدیل نماید، در این میان شهرستان‌های میانی و متوسط نقش مهمی دارند و شهرستان‌های برخوردار باید با تعادل بخشی به جریان‌های حاکم در منطقه و اصلاح جهت جریانها توزیع بهینه منابع و فعالیت‌ها این امر را تسریع بخشند.

نمودار ۲- فرایند تحقق توسعه ی پایدار و متوازن منطقه ای توسط (RDS)



منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵.

یادآوری می‌شود که اهداف فوق از اهداف مد نظر (RDS) برآمده‌اند که هر کدام از آنها می‌توانند به تنظیم و اجرای برنامه ریزی فضایی منجر شود. در این راستا می‌توان بیان نمود که RDS به عنوان یکی از آخرین دستاوردهای توسعه منطقه ای از استراتژی‌های پیشین در باب توسعه منطقه ای اعم از؛ تئوری رشد متوازن و نامتوازن، تئوری قطب رشد، تئوری مرکز پیرامون، تئوری تمرکزگرایی میردال، نظریه برگشت تمرکز، نظام سلسله مراتب سکونت گاهی، نظریه توسعه منطقه‌ای میسرا و تئوری عدالت منطقه‌ای هاروی، نظریه سیستمی توسعه منطقه‌ای هیلهورست و همچنین استراتژی شبکه منطقه‌ای (RNS) مایک داگلاس بهره گرفته است که جهت تبیین نقش برنامه ریزی فضایی در به تحقق رساندن اهداف RDS می‌توان از نظریه هیلهورست کمک گرفت. به خصوص استراتژی‌های دوم و سوم هیلهورست (انسجام پراکنده و گسترش متمرکز) که با اهداف مد نظر RDS مبنی بر تمرکز زدایی و به اشتراک گرفتن تمام نواحی و مناطق در فرایند توسعه بسیار نزدیک است؛ زیرا در هر نقشی که شهرها ایفا می‌کنند یک نقش ضروری وجود دارد که می‌بایست توسط حوزه نفوذ شهرها ایفا شود. همان گونه که مشاهده می‌شود وضعیت مذکور در شهرستان‌ها به گونه ای بسیار محسوس دیده می‌شود و منجر به رشد ناموزون در استان، تمرکز گسترده جمعیت، منابع و خدمات و جا ماندن نواحی اطراف از فرایند توسعه و بروز به مشکلات زیادی در مدیریت شهری به ویژه تأمین زیرساخت‌های شهری (Drakakis-Smith, 1997: 69) بوده است. که در این صورت مردم نمی‌توانند روش و فرم استفاده از منابع را بدون تغییر روابطشان با یکدیگر تغییر دهند (Stretton, 1976: 3). همچنین RDS با بخش‌های اولیه استراتژی سوم هیلهورست که معتقد است این امر بایستی از طریق سرمایه‌گذاری‌های پراکنده در کل منطقه از طریق ایجاد محورهای توسعه و تقویت مراکز درجه ۱ اطراف مرز منطقه و یا مرکز درجه ۲ واقع در منطقه توصیه شده، موافق است؛ اما

برخلاف نظریه هیلهورست اجرای این استراتژی را تنها در استان‌های کوچک که از پخشایش مناسب فعالیت و جمعیت برخوردارند و از نظر توسعه جز استان‌های توسعه یافته محسوب می‌شوند مناسب نمی‌داند بلکه اجرای توسعه منطقه‌ای در هر منطقه‌ای با هر سطحی از توسعه یافتگی امکان پذیر می‌داند، چنان که تهیه RDS در کشورهای ایرلند شمالی، استونی، موراویای جنوبی و کردستان عراق با تفاوت‌های طبیعی، ساختاری، اقتصادی و سطوح متفاوت توسعه یافتگی گواهی بر این مدعاست. با توجه به آن چه بیان شد؛ برنامه ریزی فضایی با تأکید بر نظریه هیلهورست برای شهرستان‌های با برخورداری پایین، ارتقای سطح شاخص‌های توسعه و برای شهرستان‌های با برخورداری متوسط تحریک رقابت‌پذیری و پویایی و همچنین برای شهرستان‌های برخوردار واگذاری و تفویض وظایف و اختیارات را پیشنهاد می‌نماید. که واگذاری و تفویض اختیارات را تا حد ممکن می‌توان از شهرستان‌های سطح اولی چون: رشت، لاهیجان، انزلی و آستارا به شهرهای نیمه برخوردار (سطح دوم) منتقل نمود. همچنین از ادغام اهداف برنامه ریزی فضایی در شهرستان‌های با توسعه متوسط و نابرخوردار می‌توان حرکت از تک قطبی بودن به سمت چند قطبی شدن را انتظار داشت، که می‌تواند به کاهش نابرابری، تعادل بخشی، بهره برداری بهینه و افزایش کارایی فضا و مجموعاً به توسعه متوازن منطقه منجر شود.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

اهم یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شهرستان رشت از ابتدای شکل‌گیری، شرایط منحصر به فردی را نسبت به مناطق پیرامونی خویش تجربه نموده و گرایشی روزافزون به تمرکز گرایی و کاستن از توان و ظرفیت رقابت‌پذیری مناطق پیرامون خود داشته است. بدین منظور خدمات و امکاناتی که برای زندگی این افراد لازم می‌آمد انتخاب و با دو روش مرسوم در رتبه بندی، جایگاه و میزان برخورداری و عدم برخورداری هر کدام از شهرستان‌ها مشخص گردید؛ که نتایج نزدیک به هم از روش‌های مورد استفاده نشان از اعتبار و اطمینان نسبی از نتایج حاصله دارد. بدین ترتیب اخص یافته‌های پژوهش نیز نشان داد که شهرستان رشت برترین رتبه و شهرستان ماسال نیز کمترین رتبه را کسب نموده است. ثانیاً قریب به ۷۵ درصد از شهرستان‌های استان در سطح توسعه یافتگی پایین و ۲۶ درصد مابقی نیز در سطح توسعه یافتگی متوسط قرار گرفته‌اند. که این امر یعنی تمرکز و انحصار سهم بیشتری از منابع و امکانات در چند شهرستان و عدم برخورداری و رقابت سایر شهرستان‌ها. همچنین فاصله بین برخوردارترین شهرستان و کم برخوردارترین شهرستان است (شهرستان رشت و ماسال) از وجود رابطه‌ای بیمارگونه و ناسالم خبر می‌دهد که این امر امکان برقراری ارتباطات لازم برای اجرای موفقیت آمیز توسعه‌ی منطقه‌ای را نافرجام می‌نماید. این در حالیست که برخوردارترین شهرستان‌ها (رشت، انزلی، لاهیجان) از سطح توسعه یافتگی متوسطی قرار دارند و در حد قابل قبولی از توسعه متوازن در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی در بهره‌گیری از خدمات و امکانات برخوردارند. به منظور فراهم شدن زمینه توسعه متوازن منطقه‌ای راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- سهولت دسترسی به امکانات و خدمات با فراهم شدن زمینه بهره برداری بهینه از منابع
- توجه به سلسله‌مراتب شهری؛ چراکه نبود شهر درجه‌دو، باعث شکاف عمیقی در استان گردیده است.
- اصلاح ساختار فضایی منطقه به منظور تسهیل و جابه‌جایی کالا و جمعیت.
- ایجاد زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری توسعه در شهرستان‌های کم تر برخوردار
- برقراری جذابیت‌ها و مشوق‌های ترجیحی برای سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته
- حمایت منطقی از بنگاه‌های کوچک و متوسط جهت ارتقای رقابت‌پذیری آن‌ها
- توسعه زیر بخش‌های صادرات فن‌آورانه و کشاورزی در شهرستان‌های مستعد
- افزایش جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی با توجه به نقش غیرقابل انکار عوامل اقتصادی و پویا شدن چرخه‌ی اقتصاد در توسعه‌ی منطقه.
- بهره‌گیری مناسب از ظرفیت مناطق ویژه اقتصادی استان، توسعه کیفی زیرساخت‌ها.

References:

1. Annoni P. and Dijkstra L. (2013): *EU Regional Competitiveness Index* .
http://ec.europa.eu/regional_policy/
2. Aranguren.MariJose.Franco.Susana.Ketels.Christian.Murciego.Asier.Navarro Mikel.R Wilson James.(2010) :*Benchmarking Regional Competitiveness in the European Cluster Observatory.June-deliverable D10a-1.*
3. Drakakis-smith, D. (1997): *Third World Cities, Second Edition, Reprinted, Methuen & co. Ltd.*
4. Faraji sabokbar, H. (1384): *Business Services unit layout using Analytical Hierarchy Process (AHP) Torghabeh A Case Study of Mashhad city, Geographical Research, Issue 51, pp. 138-125 (in Persian).*
5. Fazelnia, Gh .(1393): *the importance, requirements, issues, obstacles justice in rural areas of Iran, Tehran, publication of progress (in Persian).*
6. GaREP, spol. s r. o , *Vysoké učení technické v Brně, (2007): REGIONAL DEVELOPMENT STRATEGY-South Moravian Region, Concise versin for general public, Published by the Department of Regional Development ,the Authority of the South Moravian Region, BRNO*
7. Hess, G.R.(2001): *Just what is Sprawl, Anyway?*, www4.ncsu.edu/~grhess.
8. Heydari, A .(1392): *Analysis of spatial and physical aspects of urban centralization system of" village housing environment, No. 147, pp.100-83 (in Persian).*
9. Hnjv, M . (1980): *The government's role in regional development, regional development dialogue, translator, Moalemi, B. Volume 1, Number 1, the U.N. For Regional Development, pp. 1-20 (in Persian).*
10. Huggins. Robert, Izushi. Hiro, Prokop. Daniel, Thompson.Piers .(2014):. *Regional competitiveness,economic growth and stages of development.Preliminary communication .UDC 332.14:330.34. vol. 32. 2. PP. 255-283.*
11. Huggins.R.Izushi .H.Thompson.P. (2013): *Regional Competitiveness: Theories and Methodologies for Empirical Analysis. The Business and Economics Research Journal . Volume 6, Issue 2, pp. 155-172*
12. Kalantari, Kh .1380. *Planning and Regional Development (theory and techniques), Tehran, Press Khoshbin (in Persian).*
13. King,J,Leslie .(1984): *Central place theory; a reinterpretation,Published by SAGE Publications*
14. Neil .A, Neil. H . (2005): *Best practice guidelines for regional development strategies. From: www.interreg-grids.org. Accessed on 18 November 2013.*
15. L. Martin.R .(2003): *A draft final report for The European Commission Directorate-General Regional Policy. UNIVERSITY OF CAMBRIDGE. NL 3006 AD Rotterdam.*
16. Lungo, M. (2001): *Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America, Land Lines, Vo1.13, No.2.*
17. Masomi eshkevari, H .(1390): *Principles of Regional Planning, Sixth Edition, Tehran, Press Payam (in Persian).*
18. Mohammadi, A. .(1392): *Regional Development Strategy (RDS), National Conference of Geography, Urban Planning and Sustainable Development, Tehran (in Persian).*
19. Mohammadi, J. Abdul, A. Fathi Beyranvand, M. (1391): *The level of development of municipalities of the province to the sectors of housing and utilities infrastructure, agriculture and industry, Applied Research Geographical Sciences, Vol 12, Issue 25, pp. 150-127 (in Persian).*

20. Nabavi, M.(1356): *centralization and decentralization of political and administrative Iran*, Tehran, Khajeh (in Persian).
21. Othman Sindi. A. *Regional Development Strategy for Kurdistan Region 2012-2016*, (2011): Kurdistan Regional Government Ministry of Planning.
22. Parsaee Moghadam, H.1393.the development of regional development strategy (RDS) city of Hamadan sample: city of Hamadan, Supervisor: Taghvaei, A, Tarbiat Modarres University (in Persian).
23. Pazhohan, M .(1393): *strategy of regional development (RDS) and the strategy of the Network of Regional (RNS); introduction to the integration of a development agenda in a theoretical paradigm*, National Conference on Theory of Modern Architecture, Qazvin (in Persian).
24. PESSOA. A. *Economia Faculdade de*.(2008): *tourism and regional competitiveness: the case of the portuguese douro valley*.
http://www.fep.up.pt/investigacao/workingpapers/08.10.28_wp299.pdf
25. Plummer .P. Tonts. M. Martinus. K . (2014): *Endogenous Growth, Local Competitiveness and Regional Development: Western Australia's Regional Cities, 2001-2011*. *Journal of Economic and Social Policy*. Volume 16. Issue 1 .<http://epubs.scu.edu.au/jesp>
26. Queiruga, D. Gonza'lez-Benito, J. & Spengler, T .(2008): *Evaluation of sites for the location of WEEE recycling plants in Spain"*. *Waste management*. Vol. 28, No. 1, pp.181–190.
27. *REGIONAL DEVELOPMENT STRATEGY OF ESTONIA 2005-2015*,Regional Development Department of the Ministry of Internal Affairs. pp. 236-254.
28. Saidi, A. (1384): *Principles of rural geography*, Tehran, publisher samt (in Persian).
29. Sarafi, M, (1377): *Foundations of Planning of Regional Development*, Tehran, Management and Planning Organization (in Persian).
30. Stretton-H.(1976): *capitalism-socialism and Environment* (cambridge- cambridge University Press)
31. *UK Department for Regional Development (DRD) . (2008): Northern Ireland Regional Development*
32. *UK Department for Regional Development (DRD).(2013): Northern Ireland Regional Development Strategy 2035. for Northern Ireland. Department for Regional Development. Strategic Planning and Co-ordination*
33. Vrtěnová. L. Sobotka. M. Malá. L. (2009): *MEASUREMENT OF REGIONAL DISPARITIES AND ECONOMIC COMPETITIVENESS OF A REGIONS* .<https://dspace.upce.cz.1/VrtenovaL>
34. Yang, J. & Lee, H. (1997): *An AHP decision model for facility location selection".Facilities*.Vol. 15. No. 9/10.
35. Yasoori, M; Sojoodi, M. (1394): *attention to the strategy of regional development (RDS) to enhance the efficiency of City Development Strategy (CDS), the Seventh Conference of planning and urban management, with an emphasis on strategies for urban development* (in Persian).
36. Yasoori, M.(1385): *The study of population changes and rural development strategies in Khorasan Razavi province"*, *Journal of Geography and Regional Development*, number seven, pp. 32-17 (in Persian).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی